گزارش خبری

معمار و توسعه‌گر؛ هم‌مسیر در خلق زیست شهری

در نخستین روزهای اردیبهشت، به مناسبت اختتامیه «روز معمار»، دانشگاه تهران میزبان مراسمی تخصصی با محوریت معماری و نقش آن در تحولات شهری بود. در یکی از پنل‌های کلیدی این رویداد، نشستی با عنوان «معماری و توسعه‌گری» برگزار شد که در آن رضا دژآگاه، توسعه‌گر و کارآفرین در صنعت ساختمان و محمدسعید ایزدی، معمار، استاد دانشگاه و معاون سابق وزیر راه و شهرسازی، به گفت‌وگویی عمیق درباره نسبت میان معمار و توسعه‌گر در فرایند خلق فضا پرداختند. آنچه در ادامه می‌خوانید، بازتابی تحلیلی از مباحث مطرح‌شده در این گفت‌وگو است.

توسعه‌گر کیست؟

در فضای عمومی و حتی در محافل تخصصی، توسعه‌گر اغلب با سرمایه‌گذاری یکی گرفته می‌شود؛ گویی نقش او صرفا تأمین منابع مالی برای پروژه‌ای عمرانی یا تجاری است. اما این تصویر، تنها سطحی‌ترین لایه از نقش پیچیده و چندوجهی توسعه‌گر را نشان می‌دهد. توسعه‌گر واقعی، بازیگری است که در متن فرایند تولید فضا قرار دارد؛ کسی که نه‌تنها سرمایه، بلکه بینش، راهبرد و شبکه‌ای از عوامل مؤثر را در جهت تحقق یک پروژه به کار می‌گیرد. او است که زمین را انتخاب می‌کند، ترکیب کاربری‌ها را تعیین می‌کند، چارچوب اقتصادی پروژه را شکل می‌دهد، با نهادهای دولتی و خصوصی تعامل می‌کند و حتی در انتخاب طراحان و شیوه‌های ساخت مداخله دارد.

مرز توسعه‌گر و سرمایه‌گذار

دژآگاه در این پنل با تاکید بر تمایز توسعه‌گر از سرمایه‌گذار، بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و درک عمیق‌تری از فرایند خلق فضا تأکید کرد. سرمایه‌گذار شاید صرفا به نرخ بازگشت سرمایه و سود خالص نگاه کند، اما توسعه‌گر کسی است که در کنار منافع اقتصادی، به تبعات اجتماعی، فرهنگی و کالبدی پروژه نیز می‌اندیشد. توسعه‌گر در تحلیل خود نه‌تنها منابع مالی را تجهیز می‌کند، بلکه با خلق سازوکارها، ریسک‌های پروژه را مدیریت کرده و توازن میان سود اقتصادی و کیفیت اجتماعی-فضایی را برقرار می‌کند.

معمار؛ از طراح فرم تا سیاست‌گذار فضا

در ادامه این پنل، ایزدی به واکاوی نقش معمار در این فرایند پرداخت. به گفته او، معمار اگر تنها به طراحی فرم محدود شود، از فرایند خلق فضا حذف می‌شود؛ چراکه فضا صرفا یک ترکیب کالبدی نیست، بلکه محملی از روابط اجتماعی، نمادها و جریان‌های اقتصادی و زیستی است. ایزدی بر این باور است که معمار باید بتواند در گفت‌وگو با توسعه‌گر و سایر کنشگران، نقشی راهبردی بر عهده بگیرد؛ به‌عنوان کسی که می‌تواند منطق زیست در یک فضای شهری را طراحی و مدیریت کند. بنابراین معمارِ فعال در این بستر، نیازمند توانمندی‌هایی فراتر از طراحی است؛ تحلیلگر نظام‌های اجتماعی، گفت‌وگوکننده‌ای زبده و آشنا با سیاست‌های اقتصادی و شهری.

نقطه پیوند همکاری توسعه‌گر و معمار

نقطه تلاقی این دو رویکرد، جایی است که توسعه‌گر و معمار از جایگاه‌های مجزا به فهمی مشترک از پروژه می‌رسند. گفت‌وگوی میان دژآگاه و ایزدی از منظرهای گوناگون، در نهایت بر این نکته تأکید می‌کند که خلق فضا یک فرایند مشارکتی است؛ فرایندی که در آن توسعه‌گر نه صرفا سرمایه‌گذار، بلکه ناظر و راهبر کلی پروژه است و معمار نه صرفا طراح، بلکه شریک فکری و فرهنگی تولید فضا. در چنین بستری است که پروژه‌ها می‌توانند از سطح ساخت‌وساز فراتر روند و به تولید معنا و هویت در بستر شهری بینجامند.

توسعه‌گر به مثابه استراتژیست

توسعه‌گر اگر بخواهد نقشی مؤثر در کیفیت فضا ایفا کند، باید از منظر فرهنگی نیز واجد بینش باشد. دژآگاه به این بُعد از ماجرا توجه دارد؛ او توسعه‌گر را استراتژیستی می‌داند که از رهگذر تحلیل روندهای اقتصادی، نیازهای اجتماعی، سیاست‌های نهادهای محلی و ظرفیت‌های بازار، تصویر کلانی از پروژه ارائه می‌دهد. او است که تشخیص می‌دهد چه پروژه‌ای، در چه مقیاسی و با چه هدفی باید انجام شود و سپس شبکه‌ای از تخصص‌ها را گردهم می‌آورد. در این معنا، توسعه‌گر طراح فرایند است؛ کسی که زمینه را برای خلاقیت معمار فراهم می‌کند.

معمار در نسبت با ساختار قدرت و سرمایه

از سوی دیگر، ایزدی تأکید می‌کند اگر معمار تنها منتظر پروژه از سوی کارفرما بماند، در بهترین حالت صرفا به یک مجری یا دکوراتور بدل می‌شود. برای ایفای نقش فعال در فرایند تولید فضا، معمار باید وارد گفت‌وگو با سازوکارهای قدرت، سرمایه، نهادهای سیاست‌گذار و بدنه اجتماعی شود. او باید بتواند زبان توسعه‌گر را بفهمد و حتی پیشنهاددهنده ایده‌هایی باشد که منطق اقتصادی و زیستی را هم‌زمان در نظر دارد. این یعنی عبور از طراحی صرف و ورود به عرصه استراتژی، کنشگری و مدیریت پیچیدگی.

خلق فضا، فراتر از طراحی ساختمان

در نهایت، گفت‌وگوی میان دژآگاه و ایزدی بازتاب‌دهنده نوعی چرخش نظری و عملی در فهم تولید فضاست. تولید فضا نه با طراحی فرم آغاز می‌شود و نه با تأمین بودجه پایان می‌یابد، بلکه در تعاملی پیچیده میان نیروهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فنی شکل می‌گیرد. توسعه‌گر و معمار اگر در این میدان به‌درستی جایگاه خود را بازیابند و با یکدیگر به گفت‌وگویی واقعی برسند، این همکاری می‌تواند به تولید فضاهایی بینجامد که نه‌تنها پاسخ‌گوی نیازهای بازار، بلکه آفریننده کیفیت زیست شهری و معنا در زندگی مردم باشد.

گزارش «شرق» از جزئیات فاجعه در بندرعباس در گفت‌وگو با مصدومان، شاهدان عینی و مسئولان

راویان انفجار

شادی مکی

اطلاع‌رسانی محدود است. بسیاری از مسئولان به محض شنیدن واژه خبرنگار از پشت تلفن، تماس را قطع می‌کنند و مایل به صحبت نیستند. فعالان اجتماعی و نهادهای رسمی سکوت کرده‌اند. آنها یک جمله می‌گویند: «از مصاحبه منع شده‌ایم». می‌گویند به دستور مقام‌های استانی، خصوصا استانداری هرمزگان، محدودیت‌هایی برای اطلاع‌رسانی وضع شده و از نهادها و اشخاص خواسته شده تا اطلاع ثانوی از انتشار اطلاعات جز به صداوسیما خودداری کنند. با وجود حجم بالای گمانه‌زنی‌ها در فضای مجازی، هنوز هیچ‌یک از مقامات رسمی درباره ماهیت حادثه، میزان قطعی خسارت یا تعداد قطعی جان‌باختگان اظهارنظر نکرده است. در این میان، دادستانی تهران علیه چند رسانه و فعال رسانه‌ای درباره انتشار اخبار در حادثه بندر شهید رجایی اعلام جرم کرده و برایشان پرونده قضائی باز کرده است. آن طرف اما خانواده‌های داغدار، در پی اجساد عزیزانشان هستند، عده‌ای در جست‌وجوی مفقودشده‌ها و برخی هم تکه‌های اجساد را از زمین بلند می‌کنند و نمی‌دانند متعلق به کیست. آن‌طور که محمد جمالیان، عضو کمیسیون بهداشت و درمان، عصر دیروز گفت، جز ۱۸ پیکر، مابقی قابل شناسایی نیستند و نیاز به تست DNA دارند. بااین‌حال، تا بعدازظهر روز گذشته هلال‌احمر در اطلاعیه‌ای تعداد فوتی‌ها را ۴۰ نفر و مصدومان را هزار و ۱۲۴ نفر اعلام کرد. رئیس جمعیت هلال‌احمر هم گمانه‌زنی کرده که شاید تعدادی از اجساد بین کانکس‌ها و کانتینرها پیدا شوند. او پیش از این گفته بود که بیش از هزار مصدوم حادثه بندر شهید رجایی به بیمارستان‌ها منتقل شده‌اند که اغلب این افراد از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. براساس اطلاعات او که مربوط به صبح دیروز است، ۱۹۰ مجروح در بیمارستان‌ها بستری هستند و ۲۰ نفر هم در بخش‌های مراقبت‌های ویژه‌اند. بندرعباس شنبه با صدای انفجاری مهیب از جا پرید؛ انفجار بزرگی که هنوز سایه سنگین آن بر دل مردم این شهر است. هنوز مشخصات دقیق حادثه مشخص نیست. ساعت حوالی ۱۲ ظهر بود که صدای انفجاری مهیب در بندر شهید رجایی بندرعباس پیچید و قلب مردم این شهر را مچاله کرد. این انفجار و آتش گسترده آن، به اندازه‌ای بود که تا بعدازظهر دیروز جان ۴۰ نفر را گرفت. در حالی که دود حادثه سهمگین اسکله شهید رجایی هنوز از افق بندرعباس پاک نشده، خانواده‌هایی که در این حادثه عزیزانشان را گم کرده‌اند، روزهای سخت و مبهمی را پشت سر می‌گذارند. براساس آخرین اخبار، شش نفر در این حادثه مفقود شده‌اند. عملیات مهار کامل آتش همچنان ادامه دارد و هم‌زمان، فرایند شناسایی قربانیان وارد مرحله‌ای حساس شده است. رئیس کل دادگستری هرمزگان اعلام کرد روند شناسایی اجساد پیداشده آغاز شده و برخی از قربانیان به دلیل موجودبودن تصاویرشان شناسایی شده‌اند. بااین‌حال، شدت آسیب‌دیدگی برخی اجساد به حدی است که شناسایی آنها فقط از طریق انجام آزمایش‌های پیشرفته DNA ممکن خواهد بود. مسئولان قضائی و پزشکی قانونی از خانواده‌هایی که اعضای آنها پس از حادثه مفقود شده‌اند، درخواست کرده‌اند هرچه سریع‌تر به اداره پزشکی قانونی بندرعباس مراجعه کنند تا روند شناسایی و تطبیق هویت قربانیان سرعت گیرد. براساس اطلاعات موجود، هنوز عملیات اطفای کامل حریق در اسکله به پایان نرسیده و جست‌وجو برای یافتن مفقودین ادامه دارد. مقامات محلی تأکید کرده‌اند که نمونه‌برداری ژنتیکی از بستگان درجه‌یک می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در شناسایی اجساد داشته باشد. در حالی که خانواده‌های چشم‌انتظار، دل به اخبار رسمی سپرده‌اند، مسئولان وعده داده‌اند با تمام توان برای شناسایی قربانیان و پاسخ‌گویی به نگرانی خانواده‌ها تلاش خواهند کرد.

از خون همدیگریم

پس از وقوع انفجار مهیب روز شنبه، مسئولان استانی و کشوری اعلام کردند با توجه به حجم بالای مصدومان، به خون نیاز فوری داریم. به گفته مسئولان سازمان انتقال خون ایران، گروه‌های خونی خاص به‌ویژه گروه خونی O منفی، به‌طور ویژه مورد نیاز بود. همچنین فراخوانی از سوی پایگاه انتقال خون استان هرمزگان منتشر شد تا مردم برای اهدای خون به‌سرعت اقدام کنند. پاسخ مردم بندرعباس و سایر استان‌ها به این فراخوان مثبت و گسترده بود. دیروز سخنگوی سازمان انتقال خون ایران از استقبال چشمگیر مردم برای اهدای خون خبر داد و گفت ظرفیت پذیرش خون در پایگاه‌های استان هرمزگان به‌سرعت تکمیل شده است. به‌رغم تکمیل ظرفیت پایگاه‌های انتقال خون در استان هرمزگان، مسئولان سازمان انتقال خون اعلام کردند فعلا کمبود خون در استان وجود ندارد. بااین‌حال، آنها از مردم خواسته‌اند که در روزهای آینده برای اهدای خون به پایگاه‌ها مراجعه کنند تا ذخایر خون استان تأمین شده و از کمبود آن جلوگیری شود. بندر رجایی‌شهر، بندری تجاری است که ورود هرگونه محموله خطرناک اعم از نظامی و غیرنظامی در آن ممنوع است. چنین محموله‌هایی در بنادر دیگری مانند اسکله شهید باهنر، اسکله‌های نفتی و... بارگیری می‌شوند. به همین دلیل هم برای آنها وقوع چنین انفجار و آتش‌سوزی مهیبی بهت‌آور است. شاهدان عینی به «شرق» توضیح می‌دهند که انفجار، دود و آتش از محوطه اختصاصی نگهداری کانتینر موسوم به «سینا» شروع شده است. آن‌طور که اهالی می‌گویند این محوطه مربوط به شرکت سینا از زیرمجموعه‌های بنیاد مستضعفان است. برای شاهدان عینی ماجرا که اغلب کارکنان بندر هستند، گفتن و شنیدن از لحظات هولناک حادثه سخت است؛ هرچه از نظر جغرافیایی به محل حادثه نزدیک‌تر بوده‌اند و هول و هراس آن لحظات را بیشتر تجربه کرده‌اند، صحبت‌کردن درباره آن برایشان دردناک‌تر است. بااین‌حال، گفت‌وگوها در اولین شب حادثه و دومین روز آن انجام می‌شود، آن‌هم در شرایطی که برخی از راویان هنوز در شوک حادثه، آسیب‌دیدگی‌های جسمی و ازدست‌دادن همکارانشان هستند. نام برخی از همکاران هم در فهرست مفقودی‌ها قرار دارد و هیچ خبری از آنها نیست. برخی دیگر نیز همچنان مضطرب‌اند، مانند «محمد» یکی از کارکنان بندر که لحظه حادثه در ۱۰۰ یا ۱۵۰ متری انفجار ایستاده بود. برای او و همراهانش زمان یک لحظه از حرکت می‌ایستد، زمین می‌لرزد، صدای انفجار می‌آید، سه بار پشت سر هم و ناگهان باران آهن، میله، فلز و شیشه بر سر و رویشان می‌ریزد: «روز اول حادثه در شوک بودیم اما حالا نه‌تنها من بلکه همکارانم همگی دچار استرس شدید شده‌ایم. محوطه‌ای که در آن کار می‌کنیم به محوطه سینا چسبیده است و خیلی به یکدیگر نزدیک هستند. صدای لرزش زمین که آمد ابتدا گمان کردیم شاید مانند دفعات قبل سقوط کانتینر رخ داده است. فقط دعا کردیم که کانتینر روی کسی نیفتاده باشد. اما وقتی از ساختمان خارج شدیم متوجه شدیم صدایی که شنیده‌ایم مربوط به انفجار بوده است، آن‌هم سه انفجار که یکی از آنها بسیار بزرگ‌تر از دو مورد دیگر بود. موج انفجار هرچه را سر راه خودش بود، از جا کنده و به آسمان فرستاده بود، حتی تیرهای برق». او و همکارانش به کانکسی در همان نزدیکی پناه می‌برند اما شدت انفجار سقف کانکس را می‌برد و شیشه‌ها را می‌شکند و همه آنها دچار جراحت می‌شوند ولی نه خیلی شدید: «به نظر می‌رسد زنان و مردانی که در محوطه سینا بودند، همگی جان باخته‌اند. سوله‌ای که ما در آن کار می‌کردیم هم کاملا سوخت و تخریب شد. تأسیسات دور و بر ما هم تخریب شد. آنهایی که تا مسافت ۲۰۰، ۳۰۰متری حادثه بودند، کاملا از بین رفتند و برق قطع شد. البته خدمات همیشگی در اسکله ارائه نمی‌شود و اصلا همه فعالیت‌ها تعطیل است. البته تخلیه کشتی‌های خارجی کماکان در جریان است به این دلیل که در صورت تأخیر در تخلیه این کشتی‌ها بندر جریمه می‌شود». محمد شیوه مدیریت بحران در حادثه را چندان رضایت‌بخش نمی‌داند: «همه آنهایی که پای کار بودند هر آنچه بلد بودند و در توان داشتند، انجام دادند، اما حقیقت آن است که هیچ‌یک از اقدامات منطبق با استانداردهای جهانی در حوزه مدیریت بحران نبود. ما به واسطه شغلی که داریم، با مدیریت بحران تا حدودی آشنایی داریم و مباحث مربوطه را مطالعه کرده‌ایم. به نظر می‌رسد مربیان آنها که مدیریت بحران را در این حادثه بر عهده داشته‌اند هم چندان با این مبحث آشنایی نداشته‌اند. در حال حاضر که در دومین روز حادثه هستیم، کانون اصلی حادثه اطفا شده و به جای آن چاله چندمتری بسیار بزرگ و عمیقی مشاهده می‌شود، اما هنوز در بخش‌های دیگر آتش‌سوزی مشاهده می‌شود».

در جست‌وجوی مفقودان

یکی دیگر از کارکنان بندر هم که نخواست نامش در گزارش بیاید، از شاهدان عینی است و تمام این دو روز گذشته برای پیداکردن همکاران مفقودشده‌اش در منطقه در رفت و آمد بوده است. او می‌گوید چهار نفر از همکارانشان که در همان منطقه مشغول به کار بودند، مفقود شده‌اند. اسامی آنها نه در فهرست فوت‌شده‌هاست و نه در فهرست مصدومان بیمارستانی. کسی از آنها خبر ندارد. او از لحظه وقوع حادثه به «شرق» می‌گوید: «حدود ساعت ۱۲:۱۰ در دفترمان در بندر نشسته بودیم که صدای انفجار را شنیدیم. آن‌قدر شدید بود که موج انفجاری در سوله محل کارمان احساس کردیم. این در حالی بود که دفتر ما سه، چهار کیلومتر از محل انفجار فاصله داشت. وقتی بیرون آمدیم دود و شعله‌های آتش زیادی دیدیم. درست مانند آنچه در فیلم‌ها دیده می‌شود». تمام ماشین‌های سنگین در نزدیکی محل انفجار از بین رفته بود، حتی ماشین‌هایی که فاصله یک کیلومتری و حتی بیشتر از محل حادثه داشتند». او ادامه می‌دهد: «به دلیل حجم بالای ماشین‌های سنگینی که در منطقه وجود دارد، وقتی صدای انفجار را شنیدیم اول تصور کردیم که صدا از این ماشین‌ها بوده، چون معمولا شنیدن صداهای این‌چنینی عادی است، اما بعد که از دفتر خارج شدیم متوجه شدیم چه اتفاقی افتاده است». به گفته او، دفتر آنها از محل انفجار دور بود به همین دلیل هم خسارتی ندید. در ابتدا هم مشخص نبود که انفجار در داخل اسکله رخ داده یا خارج از آن. کمی که گذشت، یعنی حدود نیم‌ساعت، همه به سمت محل انفجار رفتند و دیدند که همه چیز از بین رفته است: «تمام ماشین‌هایی که آنجا بودند نابود شده بودند. اصلا نمی‌شد وارد محل حادثه شد. از همان دور اما میزان خسارت‌ها مشخص بود. تعداد زیادی از شرکت‌هایی که در نزدیکی محل انفجار بودند هم به‌طور کامل تخریب شده بودند. علاوه بر ماشین‌هایی که در محوطه بودند و از بین رفته بودند، ماشین‌هایی که در فاصله یک کیلومتر و بیشتر هم قرار داشتند از بین رفته و حتی در چهار کیلومتری از محل حادثه هم تعدادی از ماشین‌ها تخریب شده بودند». او و سایر همکارانش دو روز است که به دنبال مفقودشده‌ها هستند: «تعدادی از همکارانمان در این حادثه فوت کردند، آنها در فاصله نزدیکی از محل قرار داشتند. تعداد خیلی زیادی هم مصدوم شدند و از سرنوشت چهار نفر هم خبری نیست». به گفته این شاهد عینی، آنهایی که فوت کردند اکثرا از کارکنان محوطه کانتینری بودند. محل حادثه، محوطه جابه‌جایی کانتینر است، اما او اطلاعی از اینکه مربوط به کدام شرکت است ندارد. آنها که جان سالم به در برده‌اند می‌گویند تا صبح روز گذشته، محل حادثه مقداری شعله داشته که ظاهرا در حال خاموش‌شدن بوده و حالا وقت آن رسیده که به دنبال اجساد بگردند. یکی از منابع محلی که نمی‌خواهد نامش در گزارش بیاید، ساعت ۱۱ صبح دومین روز حادثه یعنی یکشنبه هفتم اردیبهشت در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید که ۸۰ درصد آتش‌سوزی مهار شده، درحالی‌که ۲۰ درصد آن همچنان خاموش نشده است: «با توجه به خبرهایی که به دست ما رسیده، امکان شعله‌ورشدن دوباره آتش وجود ندارد. شهرک مسکونی نزدیک به بندر هم از نظر برق، آب و گاز با مشکل مواجه نشده است». او همچنین از اعزام تعدادی از مصدومان این حادثه به بیمارستان‌های دو شهرستان شیراز و لار خبر می‌دهد: «برای اهدای خون هم شاهد حضور و استقبال مردم هستیم تا آنچه مورد نیاز است تأمین شود. البته تأمین خون از طریق سایر استان‌ها هم انجام می‌شود».

دریافت پول از مصدومان

هومن هم از شاهدان انفجار است. او به یاد می‌آورد که ساعت ۱۲:۰۷ ظهر روز شنبه ششم اردیبهشت در حال تماس با موبایل بوده و دقیقا رأس همین ساعت صدای انفجار را شنیده و لرزش زمین را حس کرده: «لحظه حادثه درست روبه‌روی پنجره نشسته بودم، اول دود کمی به هوا برخاست و کم‌کم رنگ دود به صورتی متمایل شد، لحظه‌ای این صورتی بسیار پررنگ و غیرطبیعی شد. همان لحظه شاهد فوران آتش به صورت قارچ‌مانند بودم. کل اسکله را غبار گرفت. ما در انباری بودیم که در انتهای اسکله واقع شده بود و کانون حادثه در ابتدای اسکله بود، یعنی یک کیلومتر از محل حادثه فاصله داشتیم، بااین‌حال موج انفجار آن‌قدر شدید بود که باعث شد به نقطه‌ای دیگر پرت شوم. شیشه‌ها شکست و خرده‌های آن به صورتم پاشید. سرشانه‌ام هم شکافت که در بیمارستان چهار بخیه خورد». ترافیک خروجی اسکله باعث شده بود تا هومن دو ساعت بعد به بیمارستان خاتم برسد. یعنی حدود ساعت دو و نیم بعدازظهر: «وقتی به بیمارستان رسیدم تعدادمان کم بود. جالب بود که در آن لحظات سخت و پرالتهاب بیمارستان تمام هزینه‌های درمانی اعم از عکس و پانسمان و... را هم از ما گرفت و با وجود اینکه همراه نداشتیم باید خودمان کارهایمان را می‌کردیم.

ادامه در صفحه ۱۱

عکس: حسام انصاریان

جدول ۵۰۳۵ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- تابلوی معروف کمال‌الملک، نقاش چیره‌دست ایرانی- بسیار، زیاد ۲- آنکه عضوی از بدنش از کار افتاده- دارای پایین‌ترین نقطه جوش در میان عناصر است- پرنده‌ای با پاهای بلند ۳- همسر مرد- فریب- مساحت فضای قابل استفاده هر واحد مسکونی ۴- ارمغان- چرب‌زبانی و چاپلوسی- میوه ریز شیرین ۵- هنر پنجم- هیکل ۶- قهوه‌ای مایل به زرشکی- شسته‌نشده- ورم ۷- میوه‌ای بهشتی- همه‌فن‌حریف- دستبند زنانه ۸- روستای ییلاقی شمال غرب تهران- اظهار همدردی با کسی ۹- خدمتکار پیر- یاری‌کننده- منفک ۱۰- ریشه- هادی الکتریسیته- بزرگ‌ترین دوزیست جهان ۱۱- پدربزرگ- ورزش تایلندی ۱۲- گشاد نیست- معادل فارسی وب‌سایت- محل ۱۳- قالب برشکاری فلزات- آشوب، غوغا- سوسن زرد ۱۴- منافق- پارچه روبالشی- الهه ماه و جنگل در اساطیر رومی ۱۵- ژانری در سینما- نمایش‌نامه‌نویس شهیر نروژی و از بنیان‌گذاران مدرنیسم در تئاتر

عمودی:

۱- به‌تازگی کاری را آغاز کرده- پارچه نخی ساده- بله روسی ۲- جنگ و جدال- ماه چهارم سریانی- مرطوب ۳- تکرار حرفی- مراسم بزرگداشت- نویسندگی ۴- کنایه از شخص اخمو و بدخلق است- خروس جنگی- گلخن حمام ۵- نام اختصاری راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران- سبزوار قدیم- پوشاننده ۶- از اعمال حج- خدای هندو- امامان ۷- حواری خائن- حفرکردن- روییدن ۸- پهلوان- کوه آتشفشانی ایتالیا- پوشاکی زنانه- مساوی ۹- سلاح جنگجوی قدیم- از پرندگان شناگر- ورزشگاه مشهور لندن ۱۰- اشاره به نزدیک- چشم دلفریب- موی گردن شیر ۱۱- جوینده راه- صحیح- کتاب هندو ۱۲- سگ در گویش عرب- ستاره پروین- از رشته‌های مهم زیرمجموعه علوم پزشکی ۱۳- فرسوده و قراضه- عنصری سمی برای مبارزه با آفات نباتی- محبوب‌ترین نوشیدنی جهان ۱۴- زبانه آتش- دوره تناوب- واحدی در وزن ۱۵- منقار کوتاه- هدیه- شهری در استان فارس

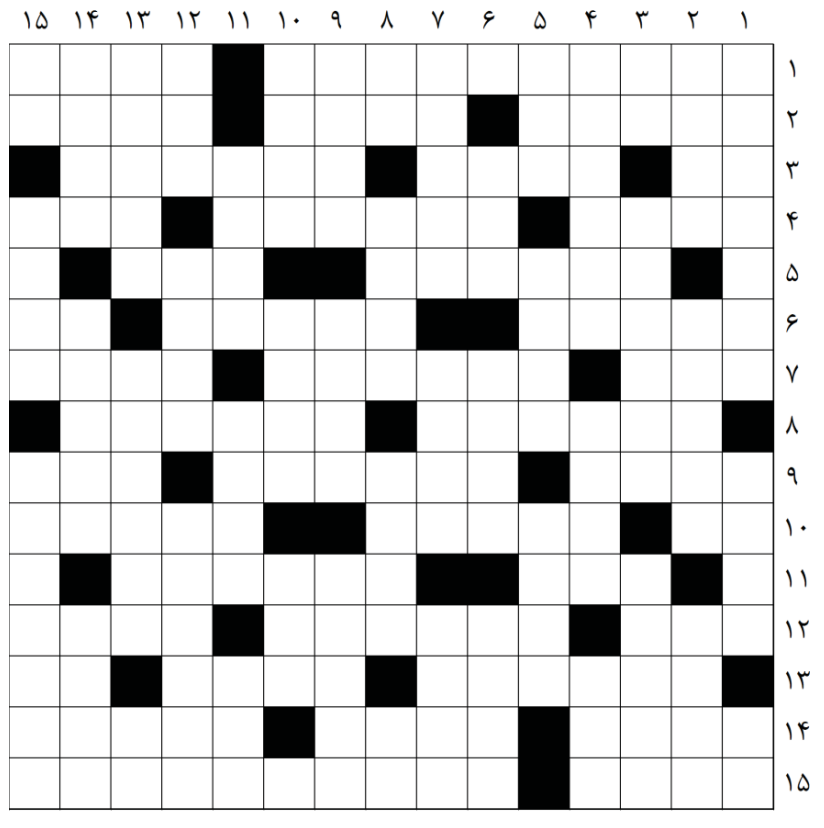

حل سودوکو ۴۰۳۰

۷	۵	۲	۳	۱	۶	۹	۴	۸
۴	۱	۸	۵	۲	۹	۶	۳	۷
۶	۳	۹	۷	۴	۸	۵	۲	۱
۵	۶	۴	۲	۸	۷	۳	۱	۹
۲	۸	۷	۹	۳	۱	۴	۶	۵
۳	۹	۱	۴	۶	۵	۸	۷	۲
۱	۷	۶	۸	۹	۴	۲	۵	۳
۸	۲	۵	۶	۷	۳	۱	۹	۴
۹	۴	۳	۱	۵	۲	۷	۸	۶

۵	۸	۴	۶	۱	۹	۳	۲	۷
۶	۲	۷	۸	۳	۴	۱	۵	۹
۱	۳	۹	۵	۷	۲	۴	۶	۸
۸	۴	۶	۲	۵	۷	۹	۳	۱
۳	۹	۲	۱	۸	۶	۵	۷	۴
۷	۱	۵	۴	۹	۳	۶	۸	۲
۹	۶	۳	۷	۴	۸	۲	۱	۵
۴	۵	۸	۳	۲	۱	۷	۹	۶
۲	۷	۱	۹	۶	۵	۸	۴	۳

حل جدول ۵۰۳۴

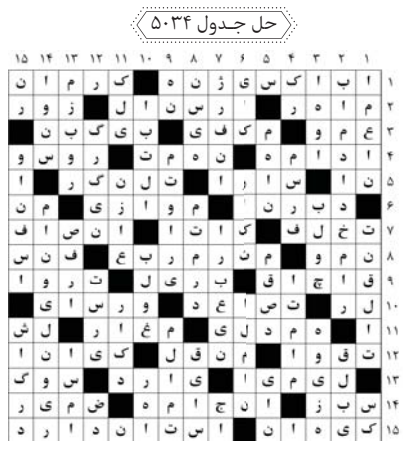

سودوکو سخت ۴۰۳۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۳			۴	۶				۸
			۸	۷	۹		۳	
	۴			۵				
		۴			۱		۸	
۱				۴				۶
	۲		۶			۷		
				۲			۶	
	۶		۵	۱	۴			
۴				۸	۶			۹

سودوکو ساده ۴۰۳۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۲	۳		۱			۵		
			۵	۷	۳			
۷	۹				۸			
	۱				۶	۹		
۵				۴				۶
		۹	۸				۴	
			۴				۷	۱
			۳	۶	۵			
		۴			۲		۹	۵